قانون رسیدگی به جرم سیاسی را از وضعیت متروک درآورد و به اجرا گذارد. سخن روشن من این است که نباید هر کس به فکر آزاد کردن زندانی خودش باشد. در زمینه رسانه‌ها هم باید چنین نگاه همه‌شمولی را به‌کار بست؛ یعنی از انحصار در رسانه کاست و به فراگیری آن کمک کرد.

در همین اثنی، زمانی‌که بحث از گشایش‌ها مطرح شد چند اتفاق رخ داد. طرح موسوم به «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری‌کنندگان با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» برای تعقیب جاسوسان از سوی مجلس مطرح شد و همچنین اخراج افغانستانی‌ها به‌طرز سریع‌السیری در پیش گرفته شد. یعنی تسریع در فرآیند قانون‌گذاری و اقدام باعث شد انتقاداتی عمیق به‌وجود بیاید. این اقدامات معلول وضعیت کلی مقابله با جاسوس‌ها بود. اساساً مقابله با جاسوسی چگونه باید رخ دهد تا هم کارآمد باشد، و هم قانون و حقوق شهروندی و مقیمین را خدشه‌دار نکند.

در مسئله جاسوسی و جاسوس‌ها اولاً، باید تفاوت میان «جاسوس» و «منبع /مخبر» را روشن کنیم. متأسفانه قانون ما در این زمینه ضعف‌های جدی دارد و اساساً تقنین در این زمینه دشوار است. ایرادات شورای نگهبان هم تا حدودی مؤید همین مسئله است. ثانیاً، باید برای نوبت چندم تکرار کنم که مرجع تشخیص جاسوسی مهم است. کار ضدجاسوسی تخصصی است و هنوز برای من روشن نیست چرا آن را میان دو نهاد اطلاعاتی تقسیم کرده‌اند. در این موضوع تمرکز و آموزش و کیفیت نقش کلیدی دارد.

اما درباره افغانستانی‌ها. من گمان دارم همان‌طور که ممکن است چند نفر افغانستانی به‌دلیل فقر و فاقه در دام سرویس‌های اطلاعاتی افتاده باشند، شاید به همان اندازه اتباع ایران نیز در همین تله‌ها هم گرفتار شده باشند. وقتی کشوری به‌لحاظ اقتصادی قوی نباشد، درآمد پایین و تورم بالا باشد، انواع واکنش‌ها پدید می‌آید؛ اعم از تن‌فروشی، عضوفروشی، موادفروشی، تکدی‌گری و جاسوسی. در زمان دولت قبل، دروازه‌های شرقی کشور بیهوده باز شد و حجم انبوهی مهاجر بدون ضابطه مشخص به ایران آمدند. اتباع بیگانه در هر جای دنیا مکان‌شان مشخص و نقل مکان‌شان تحت کنترل است، آموزش و شغل‌شان معلوم است، و حتی سازوکارهای حمایتی هم برای‌شان تعریف می‌شود؛ اعم از کمک‌های دولت و کمک‌های نهادهای بین‌المللی. در ایران اما این‌گونه نیست و آن‌ها مدام ما بین وزارت کشور، وزارت خارجه و دیگر نهادها و البته قضاوت‌های عامه مردم سرگردان‌اند.

در وضعیت جنگی و پساجنگی برخی ایده‌ها و گفتارها و به‌طور کلی گروه‌های سیاسی دچار وضعیت «بی‌خاصیتی» می‌شوند. زیرا اولاً توان بسیج سیاسی و منطق عدد در جنگ‌های غیرکلاسیک محل پرسش قرار گرفته است، ثانیاً نهادهای بین‌المللی عموماً نظاره‌گر هستند و ثالثاً، سیاست از اساس در وضعیت تعلیق فرومی‌رود. در چنین شرایطی، آیا تولید گفتار سیاسی بلاموضوع است؟ اگر بلاموضوع نباشد می‌توان چه طرح نویی درانداخت؟

در زمانی‌که جنگ در جریان است، طبیعتاً بر ایده‌پردازی سیاسی فایده چندانی مترتب نخواهد بود. این وضعیت در دوره انقلابات هم حاکم است؛ زمانی‌که رخداد یا event انقلاب رخ می‌دهد، کار نظری فریز می‌شود؛ زیرا ایده‌ها مربوط به قبل از رخداد یا پس از آن هستند. چنانکه نیما می‌گوید: آن‌که غربال به دست دارد/ ازعقبِ کاروان می‌آید!

حالا وقت آن است که بگوییم ما قبل از جنگ چه می‌گفتیم و بعد از جنگ چه پیشنهاداتی داریم. قبل از وقوع جنگ ایده کلی من، چنانکه بارها تأکید کرده بودم، توازن در الگوی توسعه و امنیت ملی ایران بود. یعنی ما به‌موازات تمرکز بر اِلمان‌های دفاعی و نظامی، می‌بایست به وجوه مختلف توسعه پایدار و ارتقاء زیرساخت کشور می‌پرداختیم. توسعه مدنظر من هم طبیعتاً صرفاً اقتصادی نبوده و باید از جمیع ابعاد به‌دنبال غنی‌سازی ملی می‌رفتیم و شکاف‌های ملت-دولت را ترمیم می‌کردیم. حال آن‌که صرفاً بر غنی‌سازی هسته‌ای تأکید و عملاً کشور تک‌بعدی شد اما، حالا مسئله این است که به‌قول شما چه طرح نویی را می‌توان درانداخت.

از آنجایی‌که من معتقدم هنوز جنگ اسرائیل و ایران تمام نشده است، و صرفاً یک جنگ ۱۲ روزه از طریق آتش‌بس شکننده به پایان رسیده، باید در چارچوب وضعیت «نه جنگ، نه صلح» ایده‌پردازی کنیم آن هم با پیوست روشن و به‌روزرسانی‌شده‌ی امنیت ملی. از آنجایی‌که به تعبیر متخصصان جنگ و امنیت ملی ما در میانه نسل چهارم (۴GW) و نسل پنجم (۵GW) جنگ‌ها هستیم، به‌مرور وارد وضعیتی می‌شویم که جنگ‌ها بدون شلیک گلوله و حتی بی‌آنکه مردم درگیر شوند آغاز شده و به پایان می‌رسند؛ هر چند آسیب متوجه جامعه و قشرهای شکننده می‌شود.

در چنین فضایی ضروری است اولاً بر سطحی از مبارزه با فساد و تبعیض اصرار ورزیم تا شکنندگی از این ناحیه را حداقلی کنیم. ثانیاً ایدئولوژی‌زدگی و شعارزدگی را با سرعت کاهش دهیم؛ ملت ایران نه تروریست هستند نه آدم‌کش. دلیلی ندارد با اعلام و تصریح حاکمیت یا منتسبان به آن برای کشور و مردم این سرزمین دردسر درست کنیم. زمانی آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه سیاست داخلی گفت نگذارید جای ظالم و مظلوم عوض شود. حالا اسرائیل و پروپاگاندای رسانه‌ای‌اش دارد کاری می‌کند که جای نجیب (یعنی ایران) و نانجیب (یعنی اسرائیل) عوض شود؛ لذا باید به آتش به اختیارها گفت نگذارید جای نجیب و نانجیب عوض شود. شما همین الان هم توجه کنید نتانیاهو علاوه بر رتوریک‌های مربوط به تهدید وجودی، می‌گوید مردم غزه ظالم هستند و اسرائیلی‌ها مظلوم! وقتی آن‌ها غزه را با این حجم از تلفات و خسارت، ظالم معرفی می‌کنند حتماً می‌توانند ایران را نانجیب و بزرگ‌ترین تهدید وجودی جلوه دهند. ثالثاً، باید مسئله نفوذ را درست بفهمیم و با آن برخورد دقیق کنیم. الان، به‌راحتی به افراد برچسب نفوذی می‌زنند و این کار خطرناکی است. واقعیت این است که نفوذی به‌وقت‌اش ساکت است، و به‌وقت‌اش حرف خود را می‌زند. یعنی باید عمق میدان را دقیق دید و غرق در لحظه نشد. باید اجمالاً توجه‌ها معطوف به چند مسئله باشد: یکی ریشه افراد است. کسانی‌که به‌شکل محیرالعقول تغییر ایدئولوژی می‌دهند، یکباره اسلام می‌آورند و مرکب عوض می‌کنند، عموماً مطمئن نیستند. دومی عقلانیت است. کسانی‌که به‌دنبال تضعیف تصمیم‌های عقلایی و ضدعقلانیت جمعی و مشخصاً غیرنهادی هستند، معمولاً مخرب هستند. علاوه بر این‌ها فاکتورهای دیگری هم هست که در این گفت‌وگو مجال طرح آن‌ها نیست.

ملت-دولت یک پازل بزرگ است که در آن به‌واسطه نقش محوری دولت، هر موجودیتی باید سر جای خود قرار بگیرد و چنانچه این پازل به‌درستی چیده نشود، می‌تواند یک سرزمین را به خطر بیندازد

علاوه بر حوزه سیاست کمی به حوزه امنیت نیز بپردازیم. زمانی‌که گروه‌های نزدیک به ایران، مانند حماس و حزب‌الله زیر ضرب اسرائیل رفتند، یا پیش‌تر از آن وقتی‌که نظم سیاسی عراق بر نظم نظامی پیشین آن غلبه پیدا کرد، ایده «محور مقاومت» با چند پرسش مواجه شد؛ ایده‌ای که سابقاً به‌لحاظ قوت و گستردگی حتی از آن به‌عنوان «ناتوی منطقه‌ای» یاد می‌شد. به نظر شما این تغییرات در اتحادها و ائتلاف‌ها چه آثاری بر امنیت ملی ایران دارد و جمهوری اسلامی می‌بایست چه بازتعریفی در جایگاه منطقه‌ای خود انجام دهد؟

نمی‌دانم الان فرصت مناسبی برای تحلیل جایگاه منطقه‌ای ایران و وضعیت‌اش باشد یا خیر. اما خیلی از امکانات و دستاوردها اکنون از بین رفته‌اند. مشخصاً زمانی ما «محور مقاومت» درست کرده بودیم و الان بیم آن می‌رود دشمن دور ما «محور شرارت» درست کند! الان، نسبت ما با آذربایجان، ترکیه، عراق و سوریه و حتی کشورهای کوچک حاشیه خلیج‌فارس از منظر امنیت ملی روشن نیست و بعضی مستعد آن هستند که پایگاه اسرائیل بشوند؛ یعنی آمریکا به آن‌ها چنین سهمی بدهد و ایران را در تنگنا قرار دهد. تئوری بدیل این وضعیت، اجلاس‌های دوجانبه و چندجانبه است تا از پی آن منافعی مشترک تعریف شود و به‌تدریج دفع خطر گردد و این مستلزم دیپلماسی قوی و متمرکز در وزارت امور خارجه است.

به‌نظر شما «توان هسته‌ای» چه نقشی در جایگاه منطقه‌ای ایران دارد و باید داشته باشد؟ شما سابقاً گفته بودید: «اتم و مشتقات‌اش برای ما پرمخاطره و پرهزینه است؛ چه یک گرم، چه صد کیلو؛ چه غنای یک درصد، چه ۲۰ درصد». اگر بخواهید تفسیر به رأی کنید می‌توانید استدلال کنید همان چند صد گرم باعث دردسر شد و حمله به ایران را توجیه کرد. در مقابل می‌گویند اگر ایران پروژه هسته‌ای‌اش را سریع‌تر تعیین تکلیف کرده بود، از N.P.T خارج شده بود و حتی معطوف به ساخت بمب بود، می‌توانست برای خود بازدارندگی به‌وجود بیاورد. این وضعیت غبارآلود نسبت به توان هسته‌ای را باید چگونه فهم کرد؟

ورود به پروژه هسته‌ای و ماندن در آن خرج زیادی برای کشورها دارد و تاکنون مخارج قابل‌توجهی بر ما تحمیل شده است که با پول آن می‌شد لوکومتیو توسعه را کاملاً به حرکت درآورد. اما آنچه فعلاً دست ما را گرفته است ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم است که از ترس جاسوس‌ها و... باید آن را پنهان نگه داریم و نمی‌دانیم در میان مطالبه خروج از N.P.T و همکاریِ حداقلی باید کجا بایستیم. یعنی یک امر استراتژیک تبدیل به تفنن برخی افراد شده است. این راه از ابتدای‌اش پرخطر بود و روس‌ها به ایران تذکر دادند وارد این وادی نشوید اما توجهی نشد. حالا بیایید فرض کنیم از همان ابتدا ما رفته بودیم سراغ بمب؛ مگر کره شمالی که بمب دارد، شعار محو کشوری را سر می‌دهد؟ گاهی آزمایشی می‌کند و باقی اوقات ساکت است. ولی به‌لحاظ توسعه کاملاً عقب‌مانده است. از آن گذشته، همان که کره شمالی را مجهز به این سلاح کرد، یعنی چین، افسار آن را به دست دارد و دشوار است کره شمالی بی‌اجازه چین به همسایه جنوبی‌اش یا ژاپن حمله کند. می‌خواهم بگویم دنیا، دنیای بمب‌سازی و بمب‌بازی نیست. از آن گذشته، من معتقدم اسلام ما را از استفاده از سلاح کشتار جمعی یعنی «ش.م.ر» منع کرده است و این خلاف مروّت و انسانیت و شرع است که از این نوع سلاح‌ها استفاده شود. ولی خُب این‌ها منافاتی با دیگر ابزارهای جنگی از جمله صنایع موشکی ندارد زیرا آن‌ها را باید ذیل آیه «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللهِ وَ عَدُوَّكُم...» تفسیر کرد.

م الف: ۱۲۲۷۶

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور-حوزه ثبت ملک لواسانات
آگهی ابلاغ رای عدم افراز

حسب درخواست افراز مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۹ خانم اکرم سید عبدالهی احدی از مالکین مشاعی پلاک ۳۴۰ فرعی مفروز و مجزی شده از ۳۳۵ فرعی از ۳۰- اصلی اشعار می‌دارد: با توجه به بررسی سوابق ثبتی و نامه شماره ۱۴۰۴۰۰۴۵۶۰۶۴۳/۵۶۲۵۸۶ مورخه ۱۴۰۴/۰۲/۱۶ اداره بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان شمیرانات مبنی بر ممنوعیت افراز به علت مغایرت با ضوابط و طرح هادی و گزارش مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۸ نماینده و نقشه بردار این اداره مطابق سوابق ثبتی ششدانگ یک قطعه زمین مشجر واقع در قریه ناصرآباد لواسان بخش ۱۱ و همچنین مشاعی بودن پلاک (۱- مالکیت اکرم/ سید عبدالهی فرزند سیدمرتضی شماره شناسنامه ۱۵۱ تارخی تولد ۱۳۳۵/۰۴/۲۳ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۵۰۸۳۸۶۷۹ با جز سهم ۱ از کل سهم ۶ به عنوان مالک یک دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان ۲- مالکیت سیدعلی اصغر- سید عبدالهی فرزند سید مرتضی شماره شناسنامه ۸ تاریخ تولد ۱۳۴۳/۰۱/۰۵ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۴۷۲۸۶۸۱۴ با جز سهم ۲ از کل سهم ۶ به عنوان مالک دو دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان به استثنای بها ثمنیه عرصه و اعیان ۳-مالکیت اعظم سادات/ سید عبدالهی فرزند سید مرتضی شماره شناسنامه ۴۳۸۴ تاریخ تولد ۱۳۴۴/۱۰/۲۲ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۴۹۹۲۲۰۷۶ با جز سهم ۱ از کل سهم ۶ به عنوان مالک یک دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان ۴-مالکیت سیداسماعیل/ سید عبدالهی فرزند سید مرتضی به شماره شناسنامه ۳۱۸ تاریخ تولد ۱۳۴۰/۰۲/۲۹ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۵۰۹۱۱۴۸۵۵ با جز سهم ۲ از کل سهم ۶ به عنوان مالک دو دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان به استثنای بها ثمنیه عرصه واعیان) دانگ مشاع از ششدانگ پلاک مذکور می‌باشند. لذا با عنایت به مراتب فوق هر چند پلاک مذکور دارای سابقه ثبت می‌باشد به استناد ماده ۵ و ۶ آیین نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷ به علت مشاعی بودن و عدم قابلیت افراز و همچنین گزارش مامورین ثبت و نامه اداره بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان شمیرانات، رای شماره ۱۴۰۴۸۵۶۰۱۰۴۸۰۰۳۸۹۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۹ به علت عدم قابلیت افراز ملک مرقوم صادر گردید و در اجرای ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷/۰۸/۲۲ این تصمیم به متقاضی و سایر مالکین مشاعی (به علت عدم دسترسی به آدرس مالکین مشاعی حسب اعلام خواهان) از طریق نشر در جراید ابلاغ و تا چنانچه افراد ذینفع اعتراضی نسبت به تصمیم مذکور دارند ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی نسبت به طرح دعوی در دادگاه لواسانات اقدام نمایند.

نصراله رادپور- رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لواسانات

م الف: ۱۲۲۷۷

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- حوزه ثبت ملک قلهک تهران
آگهی تسلیم سند مالکیت مورث

سند مالکیت پلاک ۵۹۴۶ فرعی از ۲۸ اصلی بخش ۱۱ تهران به شماره چاپی ۵۳۷۷۱۶ و ۱۷۹۴۱۹ و ۸۵۰۱۳۴

نظر به اینکه یک دستگاه آپارتمان مسکونی به پلاک ثبتی ۵۹۴۶ فرعی از ۲۸ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۵۸۹۶ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۵ واقع در بخش ۱۱ تهران به مساحت ۱۱۰/۱۲ مترمربع واقع در سمت شمالی طبقه سوم که (۱۶/۵۸) شانزه متر و پنجاه و هشت دسیمتر مربع آن پیشرفتگی در دو قسمت (۲/۳۴) دو متر و سی و چهار دسیمتر مربع آن بالکن و بالکن پیشرفته است. مشخصات منضمات ملک: انباری مسکونی قطعه ۵ به مساحت ۴/۹۴ مترمربع سمت شرقی زیرزمین یک* پارکینگ مسکونی قطعه ۷ به مساحت ۱۰/۸ واقع در سمت جنوبی طبقه همکف مشخصات مالکیت: مالکیت سعید معصومی فر به عنوان مالک یک ممیز دو صدم سهم مشاع از چهل و دو سهم عرصه و اعیان ششدانگ باستثناء بها ثمنیه عرصه و اعیان آن با شماره مستند مالکیت ۱۴۰۰۹۱۳۹۰۰۰۴۴۴۷۶۸۰ تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۱۶ ثبت گردیده است. مالکیت مریم معصومی فر فرزند مجید شماره شناسنامه ۰۰۱۷۵۶۲۱۱۲ تاریخ تولد ۱۳۷۳/۰۷/۱۴ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۱۷۵۶۲۱۱۲ به عنوان مالک هجده ممیز هشتاد و هفت صدم سهم مشاع از چهل و دو سهم عرصه و اعیان با انضمام بهای ثمنیه عرصه و اعیان ۲/۵۵ سهم مشاع دیگر با شماره مستند مالکیت ۳۲۳۹۲ تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۱ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۵۶۵ شهر تهران موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۱۲۱۱۸۶ سری ج سال ۰۳ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۴۲۰۳۰۱۰۲۶۰۰۸۳۲۴ ثبت گردیده است. مالکیت معصومه معصومی فر به عنوان مالک پنجاه و یک صدم سهم مشاع از چهل و دو سهم عرصه و اعیان ششدانگ باستثنا بها ثمنیه عرصه و اعیان آن با شماره مستند مالکیت ۱۴۰۰۹۱۳۹۰۰۰۴۴۴۷۶۸۰ تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۱۶ ثبت گردیده است. مالکیت حمیدرضا معصومی فر به عنوان مالک یک ممیز دو صدم سهم مشاع از چهل و دو سهم عرصه و اعیان ششدانگ باستثنا بها ثمنیه عرصه و اعیان آن با شماره مستند مالکیت ۱۴۰۰۹۱۳۹۰۰۰۴۴۴۷۶۸۰ تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۱۶ ثبت گردیده است. مالکیت مریم معصومی فر فرزند مجید شماره شناسنامه ۰۰۱۷۵۶۲۱۱۲ تاریخ تولد ۱۳۷۳/۰۷/۱۴ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۱۷۵۶۲۱۱۲ به عنوان مالک دو ممیز نود و چهار صدم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان مصالح از تاریخ ذیل تا پایان عمر خود حق فسخ این سند بالمباشره را دارد و این حق به وراث ایشان منتقل نخواهد شد که شرط گردید در صورت اعمال خیار توسط مصالح و فسخ معامله متصالح ذمه فاسخ را از مال الصلح ابرا نماید ولو بعد از فوت و محجوریت متصالح ۲- ضمن العقد شرط و مقرر گردید که منافع مورد صلح مادام الحیاه مصالح متعلق به مشارالیه به طور رایگان باشد که مصالح در طول حیات خویش نیز حق انعقاد اجاره را به دیگری با شماره مستند مالکیت ۲۷۸۵۵ تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۰ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۵۶۵ شهر تهران استان تهران ثبت گردیده است. ششدانگ پلاک مذکور به نام حسین آقا معصومی فر به شماره چاپی ۵۳۷۷۱۶ ثبت و سند صادر و تسلیم گردیده است سپس ششدانگ به موجب سند صلح شماره ۷۰۳۷۱-۱۹/۰۴/۱۳۹۸ دفترخانه ۳۴۱ تهران به مجید معصومی فر منتقل گردیده است و به شماره چاپی ۱۷۹۴۱۹ ثبت و سند صادر و تسلیم گردیده است سپس به موجب دادنامه حصر وراثت به شماره ۹۹۰۹۹۷۱۲۶۰۱۰۰۹۳۱-۰۴/۱۱/۱۳۹۹ شعبه ۲۶۰۱ شورای حل اختلاف شماره ۲۷ تهران شادروان مجید معصومی فر فوت نموده و وراث حین الفوت وی عبارت است از فاطمه تقی پور همسر متوفی و حسین آقا معصومی فر پدر متوفی به شماره چاپی و پروین ساداتی مادر متوفی و مریم معصومی فر دختر متوفی می‌باشند. سپس به موجب دادنامه حصر وراثت به شماره ۱۴۰۰۹۱۳۹۰۰۰۴۴۴۷۶۸۰-۱۴۰۰/۰۴/۱۶ حسین آقا معصومی فر فوت نموده و وراث حین الفوت وی عبارت است از پروین ساداتی همسر متوفی و حمیدرضا و سعید و وحید و معصومه شهرت همگی معصومی فر فرزندان متوفی و نسبت به سهم الارث مریم معصومی سند مالکیت جداگانه صادر شده است. خانم معصومه معصومی فر از وراث مرحوم حسین آقا معصومی تقاضای صدور سند مالکیت نسبت به سهم الارث خود را دارند و اعلام نموده‌اند اصل جلد سند مالکیت ششدانگ نزد آقای حمیدرضا معصومی فر می‌باشد لیکن مشارالیه سند مالکیت پلاک موردنظر را به این اداره تسلیم ننموده، مراتب در اجرای تبصره ۳ ذیل ماده ۱۲۰ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت آگهی می‌گردد تا دارنده سند مالکیت از تاریخ انتشار این آگهی ظرف ده روز سند مذکور را تسلیم و یا مجوز قانونی نگهداری آن را ضمن اعتراض خود به این اداره اعلام نماید. بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض موجه یا عدم ارائه سند مورد نظر، سند مالکیت نسبت به سهم الارث خانم معصومه معصومی فر مطابق مقررات قانونی صادر و تسلیم خواهد شد.

علی خرازی آذرپور- کفیل حوزه ثبت ملک قلهک تهران از طرف محمد مفاخری باشماق

چهره‌ها

دوقطبی باید کنار گذاشته شود

غلامرضا ظریفیان، معاون وزیر علوم در دولت اصلاحات در گفت‌وگو با ایسنا گفت: «متاسفانه در سالیان گذشته دوقطبی بین فرهنگ دینی و فرهنگ ملی ایجاد شده و تصور بر این بود که باید صرفاً به فرهنگ دینی توجه داشت. درحالی‌که فرهنگ دینی در ظرف جغرافیا و بستر تاریخی ایران شکل گرفته است، بنابراین باید این دوقطبی کنار گذاشته شود و موضوع ایران فراموش نشود، زیرا ایران، مهمترین عامل انسجام مردم با هر سلیقه و دیدگاه سیاسی و اجتماعی است.» او همچنان گفت: «جامعه با محبت به هم پیوند می‌خورد. محبت، لطف و گذشت بسیار بهتر از ستیز و خشم جامعه را به هم پیوند می‌دهد. در برخورد با جامعه حتی نسبت به کسانی که احتمالاً خطایی داشته‌اند اما در دفاع از وطن در دوران جنگ تحمیلی اقدام کردند، باید بازبینی صورت گیرد.»

سه شرط برای مذاکره

علی مطهری، نماینده ادوار مجلس در گفت‌وگو با خبرآنلاین گفت: «ما نباید اعلام کنیم که مذاکره نخواهیم کرد و میز مذاکره را ترک می‌کنیم اما باید برای مذاکره، شروطی را قائل شویم. باتوجه به این حمله غافلگیرانه و ناجوانمردانه‌ای که انجام دادند و خسارتی که به ما وارد کردند، اینکه ما بدون پیش‌شرط وارد مذاکره شویم، با عزت و استقلال ما چندان سازگار نیست. به نظر من باید سه شرط را قرار دهیم. اولاً آمریکا باید الزام غنی‌سازی صفر را کنار بگذارد. ثانیاً ضمانتی به ایران بدهند که دوباره به تاسیسات هسته‌ای ما حمله نخواهند کرد و ثالثاً خساراتی را که طی این جنگ دوازده‌روزه به ایران وارد کردند جبران کنند.» او همچنین گفت: «دیپلماسی و گفت‌وگو همیشه راه‌گشاست. حتی در زمان جنگ هم ممکن است برقرار باشد. ولی باتوجه به این جنگ دوازده‌روزه که با نفاق و فریب ترامپ و نتانیاهو بر ما تحمیل شد، مذاکره با آمریکا بدون هر گونه شرطی کار درستی نیست.»

ترمیم شکاف مردم و حاکمیت

اسماعیل کوثری، نماینده مجلس دوازدهم در گفت‌وگو با ایسنا با بیان اینکه نتیجه هماهنگی بین سران قوا به وفاق ملی منجر شد، تصریح کرد: «نتیجه این صدای واحد را مردم در ۱۲ روزه جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی و آمریکا به کشورمان نشان دادند و مردم در همه بخش‌های کشور در حمایت از ایران اسلامی پای کار آمدند که بسیار ارزشمند است.» او همچنین گفت: «قطعاً در مدت جنگ ۱۲ روزه همراهی مردم با دفاع جانانه‌ای که نیروهای مسلح کشورمان از خود نشان دادند در کنار اقدامات یک‌ساله گذشته دولت، حلقه وصل حاکمیت و مردم را بیش از گذشته تقویت کرد که سبب شد مردم به‌رغم برخی گله‌مندی‌هایی که از شرایط اقتصادی دارند، پای کار نظام و دولت در بزنگاه تاریخی بیایند که نتیجه آن انسجام ملی و ترمیم شکاف میان مردم و حاکمیت بود.»